

ناتو پس از جنگ سرد:

# چالش‌ها و اهداف پیش رو

بخش اول



ولی کوزه‌گر کالجی  
دانشجوی علوم سیاسی  
دانشگاه مازندران

## آغاز سخن

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی که به اختصار ناتو خوانده می‌شود، منسجم‌ترین، قدرتمندترین و در عین حال پایدارترین اتحادیه نظامی در قرون معاصر است که نماد سیستم امنیت دسته جمعی (Collective Security) به شمار می‌آید. به صورت بسیار فشرده در این شماره با مروری اجمالی بر زمینه‌ها و روند شکل‌گیری ناتو، به مهمترین تحولات، چالش‌ها و اهداف ناتو پس از پایان جنگ سرد و نیز حوزه‌های گسترش ناتو در منطقه مدیترانه و شمال آفریقا و نیز مسایل ناتو در دو کشور عراق و افغانستان پرداخته می‌شود. در شماره آینده بحث گسترش ناتو به سمت شرق و نیز فعالیت ناتو در کشورهای حوزه خلیج فارس مورد بررسی قرار خواهد گرفت. با توجه به شرکت نگارنده در پانزدهمین کنفرانس بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز که با

ژوئیه ۱۳۸۶

اروپای غربی از یک سو و اتحاد جماهیر شوروی از سوی دیگر، خیلی زود خود را نمایان ساخت. بحران آذربایجان و عدم تخلیه ایران از سوی قوای شوروی، حوادث ۱۹۴۸ چکسلواکی و دخالت آشکار مسکو در تحولات سیاسی این کشور نشان از رویارویی متحدان سابق می‌داد که صرفاً برای مدت کوتاهی برای مقابله با دشمن مشترک یعنی دول محور و در رأس آن آلمان نازی با هم متحد شده بودند و اکنون در فضای جدید ناشی از حذف دشمن مشترک، تضاد منافع و اختلافات یکبار دیگر به صورت بسیار جدی‌تر و گسترده‌تر خود را نمایان ساخت. واکنش اولیه غرب در مقابل سیاست‌های توسعه طلبانه شوروی، انعقاد پیمان نظامی بروکسل بود که بین اعضای پیمان دانکرک (Dunkerque) یعنی فرانسه و انگلیس و کشورهای بنه لوکس شامل

موضوع گسترش ناتو به شرق، در آبان سال جاری به میزبانی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه برگزار خواهد شد، امید است با بهره‌گیری از مباحث مطرح شده از سوی کارشناسان داخلی و خارجی، بحث گسترش ناتو به شرق که تأثیرات بسیار محسوسی بر امنیت ملی کشورمان نیز دارد، به صورت مفصل‌تری در شماره آینده تقدیم خوانندگان محترم گردد.

## شکل‌گیری ناتو

زمینه‌های شکل‌گیری ناتو را باید در تحولات سال‌های آغازین پس از پایان جنگ جهانی دوم جست‌وجو نمود. با فرو نشستن شعله‌های بسیار سهمگین آتش جنگ جهانی دوم، اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی همراه با تضاد منافع آمریکا و

بلژیک، هلند و لوکزامبورگ در مارس ۱۹۴۸ به امضا رسید. همزمان با انعقاد پیمان بروکسل، ژرژ بیدو، نخست‌وزیر وقت فرانسه پیامی به ژنرال مارشال ارسال داشت که مقدمه پیوند نظامی اروپا و آمریکا به شمار می‌رود: "موقع آن رسیده است که هرچه زودتر همکاری‌های نظامی و سیاسی جهان قدیم (اروپا) و جهان جدید (آمریکا) گسترش یابد. متعاقب این پیام در ۱۱ ژوئن ۱۹۴۸ قطعنامه "واندنبرگ - کنالی (Vandenberg-Connally)" مبنی بر مجاز بودن دولت آمریکا در پذیرش تعهداتی در خارج از مرزهای آمریکا به تصویب سنای این کشور رسید. این قطعنامه که کناره‌گیری آشکار واشنگتن از سیاست انزواگرایانه ۲۰۰ ساله‌اش محسوب می‌شد، زمینه گسترش پیمان بروکسل را به آن سوی آتلانتیک فراهم ساخت.

سرانجام مذاکراتی که از ژوئیه ۱۹۴۸ در واشنگتن آغاز شده بود به نتیجه رسید و پیمان واشنگتن مشهور به سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) (NATO - North Atlantic Treaty Organization) در ۴ آوریل ۱۹۴۹ بین اعضای پیمان بروکسل و کانادا و آمریکا و کشورهای دانمارک، ایسلند، ایتالیا، نروژ و پرتغال که به این پیمان دعوت شده بودند به امضا رسید. در سال‌های بعد کشورهای دیگری چون یونان و ترکیه (۱۹۵۱)، آلمان غربی (۱۹۵۱) و اسپانیا (۱۹۸۲) به این سازمان نظامی پیوستند. مهمترین موردی که در اساسنامه ناتو قابل ذکر می‌باشد، ماده پنج این سازمان است که مقرر می‌دارد حمله به یک یا دو کشور عضو، حمله به تمامی کشورهای عضو تلقی شده و ناتو موظف به دفاع از کشور مورد حمله خواهد بود. مقر ناتو در بروکسل پایتخت بلژیک قرار دارد و شورای آتلانتیک شمالی، عالی‌ترین نهاد ناتو است و وظیفه هماهنگی بین شاخه‌های اجرایی و کمیته نظامی را برعهده دارد.

### ناتو پس از پایان جنگ سرد

ناتو مولود جنگ سرد است. در فضای دو قطبی دوران جنگ سرد، ناتو در مقابل همتای مشابه خود پیمان ورشو قرار داشت و بدین سان از نقطه نظر هویتی در مقابل "غیر و ضد" خود هویت پیدا می‌کرد. انحلال پیمان ورشو در آوریل ۱۹۹۱ و فروپاشی شوروی در ۲۵ دسامبر همین سال، آغاز شکل‌گیری نظام نوینی در عرصه بین‌المللی بود که در این فضای جدید بسیاری از پیمان‌ها و اتحادهای دوران جنگ سرد، فلسفه وجودی خود را از دست دادند که بدون

تردید ناتو مهمترین پیمانی بود که در جهان غرب با مشکل هویتی مواجه گردید. از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران، سیاستمداران و مهمتر از همه افکار عمومی جهان غرب، ناتو علت وجودی خود را از دست داده بود و دیگر ضرورتی برای صرف هزینه‌های سنگین سیاسی، نظامی و اقتصادی برای تداوم آن وجود نداشت. از دیدگاه صاحب‌نظران رئالیست (واقع‌گرایان) کاهش آشکار خطر برای یک اتحادیه آن را تضعیف می‌کند و سبب فروپاشی آن می‌شود. از این دیدگاه هیچ اتحادیه نظامی نظیر ناتو نمی‌تواند بدون یک تهدید و خطر مشترک تشکیل و ادامه حیات دهد. در مجموع در فضای سال‌های آغازین دهه ۱۹۹۰، فروپاشی ناتو به مانند پیمان ورشو به دلیل از دادن فلسفه وجودی‌اش پیش‌بینی می‌شد اما آن چیزی که در ذهن سیاستمداران و استراتژیست‌های غربی می‌گذشت، تعریف جدیدی از ناتو بود که باعث گردید ناتو برخلاف تمام پیش‌بینی‌ها، به حیات خود در فضای پس از جنگ سرد ادامه دهد و جالب اینجاست که بسیار پویاتر و گسترده‌تر در عرصه تحولات سیاسی، نظامی و امنیتی جهان نیز عمل نماید.

### ناتو پس از حادثه ۱۱ سپتامبر

ناتو که به لطف نظریه پردازی‌ها و سیاست‌گذاری‌های مراکز مطالعاتی باسابقه و قدرتمند جهان غرب و همچنین هدایت رهبران سیاسی و نظامی آن توانست بحران هویت دهه ۹۰ را با موفقیت پشت سر گذارد، در آغاز قرن بیست و یکم با رویدادی مواجه گردید که از یک سوت‌تایر بسیار فزاینده‌ای در انسجام و هماهنگی کشورهای دو سوی آتلانتیک (اروپا و آمریکا) در ساختار درونی ناتو بر جای گذاشت و از سویی دیگر فرصت بسیار مناسبی برای گسترش حوزه عملیاتی ناتو در جهان را فراهم نمود. این رویداد چیزی نبود جز حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر که محیط نظام بین‌الملل را به شدت دستخوش تغییر نمود. در پی امنیتی شدن محیط بین‌المللی، واشنگتن با بهره‌گیری از نفوذ فوق‌العاده خود در ساختار ناتو و نیز وضعیت روحی و روانی و نیز سیاسی - امنیتی به وجود آمده پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، تلاش نمود تا ناتو را به عنوان بازوی اجرایی شورای امنیت در راستای اجرای فصل هفتم منشور ملل متحد و در حقیقت تحقق اهداف یک جانبه گرایانه‌اش درآورد. از این مقطع ناتو با تکمیل روند ایجاد شده در دهه ۹۰ میلادی، اهداف

## در فضای دو قطبی دوران جنگ سرد، ناتو در مقابل همتای مشابه خود، پیمان ورشو قرار داشت و بدین سان از نقطه نظر هویتی در مقابل "غیر و ضد" خود هویت پیدا می‌کرد

و ماموریت‌های جدیدی چون مبارزه جهانی با تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی و نیز بنیادگرایی مذهبی با اولویت مقابله با بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه نظیر طالبان را در دستور کار خود قرار داد. بدین ترتیب ناتو به صورت عملی، رسمی و آشکار از حوزه سنتی جغرافیایی و عملیاتی خود به عنوان یک سازمان منطقه‌ای خارج گردید و تبدیل به یک سازمان فرامنطقه‌ای و جهانی شد. بحث را با بررسی نقش ناتو در دو جنگ افغانستان و عراق در قسمت بعدی ادامه می‌دهیم.

### افغانستان، آزمون دشوار ناتو

اگر چه در جنگ افغانستان که به فاصله چند ماه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر از سوی آمریکا صورت گرفت، ناتو هیچ گونه نقشی نداشت و واشنگتن به صورت کاملاً یک جانبه به این امر اقدام نمود، اما تحولات پس از سقوط طالبان، ناتو را ناخواسته و نیز البته با فشار و هدایت آمریکا وارد مجموعه تحولات بسیار پیچیده افغانستان نمود که در طی چند سال اخیر به یکی از بزرگترین چالش‌های این سازمان تبدیل شده است.

در واقع به دنبال "توافق‌نامه بن" که پس از سقوط رژیم طالبان در اواخر سال ۲۰۰۱ منعقد شد و به موجب آن استقرار یک ارتش منظم و کلاسیک ۷۰ هزار نفری برای تأمین امنیت افغانستان در دستور کار قرار گرفت، در ۱۱ آگوست سال ۲۰۰۳ ناتو فرماندهی نیروهای خارجی مستقر در افغانستان را برعهده گرفت، که این امر نخستین استقرار نیروهای

ناتو در خارج از خاک اروپا و آمریکای شمالی محسوب می‌گردد. ورود ناتو به سرزمینی که در آن ارتش‌های مختلفی از جمله بریتانیا در قرن ۱۹ و اتحاد جماهیر شوروی در قرن ۲۰ متحمل شکست شده بودند، با هزینه‌های سنگینی برای این سازمان همراه بوده است. به گونه‌ای که از سال ۲۰۰۳ تا کنون عملیات ناتو در افغانستان، پرتلفات‌ترین عملیات تاریخ ناتو به شمار می‌آید.

اهمیت موضوع افغانستان تا آن جا بود که محور اصلی اجلاس سال گذشته سران ۲۶ کشور عضو ناتو در ریگا، چالش‌ها و برنامه‌های این سازمان در افغانستان بود. شکست نظامی ناتو در افغانستان، افزایش تلفات ناتو در مناطق جنوب و جنوب شرقی این کشور، ناتوانی دولت کرزای در کنترل تمام مناطق کشور، قدرتمندی دوباره طالبان و رشد چشمگیر کشت و قاچاق مواد مخدر، سران ناتو را وادار نمود که برای برون رفت از آنچه شکست ابهت ناتو خوانده می‌شود، راه حلی بیابند.

به نظر می‌رسد اعضای ناتو به ویژه جناح اروپایی این پیمان بدون درک مناسب و واقعی از محیط سیاسی، امنیتی، جغرافیایی و بافت ناهمگون و پیچیده قومی و مذهبی افغانستان، نیروهای خود را بیشتر به دلایل سیاسی و همراهی با واشنگتن در این کشور مستقر نموده‌اند. در حالی که شکست احتمالی ناتو تقویت بیشتر طالبان در افغانستان و نیز وارد شدن ضربه‌ای جبران‌ناپذیر به حیثیت و اقتدار بین‌المللی ناتو را در پی خواهد داشت. طرح ژاک شیراک، رئیس‌جمهور سابق فرانسه برای ایجاد گروه تماس در افغانستان را باید مواجهه ناتو با واقعیات افغانستان تعبیر نمود. گواه این امر را باید اظهارات "یاب دوهوب فیشر" دبیر کل ناتو دانست که اعلام نمود راهکار نظامی در افغانستان جوابگو نبوده بلکه توسعه ساخت کشور، احداث راهها و مدارس راه حل مساله افغانستان است. از این رو به نظر می‌رسد ناتو به نتیجه رسیده باشد که صلح و امنیت پایدار در افغانستان تنها با به کارگیری نیروی نظامی تحقق نخواهد یافت و عمل نمودن به وعده‌ها و تعهدات کنفرانس‌های بازسازی بن و توکیو و نیز مشارکت بازیگران منطقه‌ای مانند ایران، پاکستان، روسیه و عربستان سعودی و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مانند کنفرانس اسلامی، اکو و سازمان ملل متحد محقق خواهد شد.



افغانستان وجود ندارد و اعتبار ناتو در گرو موفقیت در افغانستان است.

## ناتو و بحران عراق

عراق دومین کشور خاورمیانه‌ای بود که در سال ۲۰۰۳ میلادی از سوی ایالات متحده در راستای مبارزه جهانی با تروریسم، انهدام سلاح‌های کشتار جمعی و جلوگیری از رشد بنیادگرایی اسلامی مورد حمله نظامی قرار گرفت. علی‌رغم تلاش گسترده‌ای که واشنگتن از اجلاس سال ۲۰۰۲ سران ناتو در پراگ برای همراه نمودن اعضای ناتو در حمله نظامی مشترک به عراق صورت داد، این بار نیز اعضای ناتو به ویژه جناح اروپایی ناتو حاضر به همراهی با ایالات متحده نشدند. بحران عراق فصل جدیدی را در روابط دو سوی ائتلافی رقم زد. این بحران موجب شد تا اختلاف‌های متعددی که طی پانزده سال پس از پایان جنگ سرد بین اروپا و آمریکا وجود داشت بروز کند. اختلاف دیدگاه‌ها در دوران

پس از جنگ سرد و رویکردهای متفاوت نسبت به مسایل امنیت بین‌الملل به هنگام تصمیم‌گیری در مورد جنگ عراق آشکار گردید. در حالی که آمریکا و بریتانیا طرفدار جنگ و انجام عملیات نظامی علیه رژیم عراق بودند، سایر کشورهای اروپایی به ویژه فرانسه به محوریت ژاک شیراک (که یادآور رویارویی مارشال دوگل با ناتو بود) و آلمان به محوریت گرهارد شرودر مخالف شدید هر گونه اقدام نظامی بودند. در نهایت امر حمله نظامی مشترک آمریکا و بریتانیا که متأسفانه بدون مجوز شورای امنیت و براساس دکترین حمله پیش‌دستانه (Strike Doctrine Preemptive) و با سوء استفاده از "حق دفاع مشروع (Anticipatory Self-defense)" صورت گرفت، شکاف‌های درونی ناتو را بیشتر نمایان ساخت.

اما این بار نیز به مانند افغانستان، سازمان پیمان ائتلافی شمالی (ناتو) با فشار و هدایت واشنگتن به عرصه تحولات عراق کشیده شد. در جریان نشست سران ناتو در استانبول ترکیه در ژوئن سال ۲۰۰۴، مقرر شد که این سازمان نه تنها حکومت موقت عراق را در زمینه‌های امنیتی از جمله آموزش نیروهای نظامی و اعطای برخی تجهیزات نظامی یاری دهد، بلکه نیروهای نظامی لهستان را که در بخش‌های مرکزی خاک عراق مستقر و فرماندهی

در مجموع می‌توان افغانستان را آزمونی دشوار برای ناتو دانست؛ چنان که تونی بلر نخست‌وزیر بریتانیا در نشست ریگا به رهبران ناتو یادآور شد که: "برای امنیت جهانی هیچ کشمکش مهمتری از

در حقیقت بسیاری از کشورهای اروپایی به خوبی دریافته‌اند که پیوند نزدیکی بین حمله به عراق و طرح خاورمیانه بزرگتر وجود دارد

نیروهای سایر کشورها را در این مناطق عهده‌دار بودند، مورد حمایت خود قرار دهند.

در طی دو سال اخیر با پیچیده‌تر شدن روند اوضاع امنیتی عراق و مخالفت گسترده افکار عمومی جهان شاهد کاهش و یا خروج نیروهای عضو ناتو از عراق هستیم. روندی که با فشار شدیدی که اکنون بر دولت‌های آمریکا و بریتانیا بر خروج هر چه سریعتر از عراق وجود دارد، به احتمال زیاد در آینده تشدید نیز خواهد شد. در حقیقت بسیاری از کشورهای اروپایی به خوبی دریافته‌اند که پیوند نزدیکی بین حمله به عراق و طرح خاورمیانه بزرگتر وجود دارد و آنها نمی‌خواهند با صرف هزینه‌های سنگین سیاسی و نظامی خود را درگیر سیاست‌های یک جانبه‌گرایانه و اشنگتن سازند.

### گفت‌وگوی مدیران‌های ناتو و اسرائیل

گفت‌وگوی مدیران‌های عنوان برنامه‌ای است که در چارچوب آن شش کشور عربی-آفریقایی اردن، مصر، مراکش، الجزایر، تونس و موریتانی همراه با اسرائیل از سال ۱۹۹۴ مناسبات امنیتی با ناتو برقرار نموده‌اند. هدف اصلی این طرح، تقویت بنیان ثبات و امنیت منطقه‌ای و نیز درک بهتر و اعتمادسازی روابط بین ناتو و کشورهای خاورمیانه-مدیترانه‌اعلام شده است. مشارکت مصر، اردن و مراکش در عملیات‌های ناتو در بوسنی و هرزگوین و کوزوو نمونه‌ای جالب توجه در همکاری‌های نظامی ناتو با کشورهای عربی به شمار می‌آید. منطقه شمال آفریقا به دلیل وضعیت جغرافیایی نامساعد و بیابانی که کنترل دولت‌ها را بر آن دشوار می‌سازد و نیز نزدیکی به اروپا از کانون‌های مهم گروه‌های جهادی و تروریستی بعد از عراق و افغانستان محسوب می‌شود، باعث توجه جدی ناتو و نیز اتحادیه اروپا به این منطقه شده است. برآیند این امر را باید در شرکت دادن کشورهای شمال آفریقا برای تامین امنیت دسته جمعی در چارچوب "گفت‌وگوی مدیران‌های" ناتو جست‌وجو نمود.

اما یکی از مهمترین و چالش برانگیزترین محورهای برنامه گفت‌وگوی مدیران‌های را باید روابط راهبردی تل‌آویو-ناتو دانست. اگرچه سابقه هم‌پیمانی غرب با اسرائیل به زمان تاسیس این رژیم برمی‌گردد، ولی ارتباط رسمی تل‌آویو با نهادهای نظامی و امنیتی غرب به ویژه ناتو پس از پایان جنگ سرد آغاز گشت. در فضای دو قطبی حاکم بر دوران جنگ سرد، جهان غرب با این احتمال که عضویت



روابط ناتو و اسرائیل را به سطح شگفت‌انگیزی ارتقا داده است. در روز اول آبان ۱۳۸۵ کنفرانس دو روزه‌ای با عنوان "تغییر شکل ناتو، گفت‌وگوی مدیران‌های، روابط ناتو و اسرائیل" با حمایت مشترک بخش دیپلماسی عمومی ناتو و انجمن آتلانتیک اسرائیل در شهر Herzlia فلسطین اشغالی برگزار گردید. در این کنفرانس تل‌آویو رسماً اعلام نمود که به عملیات ضد تروریستی ناتو در دریای مدیترانه می‌پیوندد.

در مجموع پیش‌بینی می‌شود اسرائیل با توجه به محیط پیرامونی ناامنی که در منطقه به ویژه پس از جنگ ۳۳ روزه سال گذشته با لبنان برایش ایجاد شده، از سیاست سنتی دفاعی خود که مبتنی بر اصل "خودپداری (Self-defense)" بود فاصله گرفته و به سمت استراتژی دفاع مبتنی بر "امنیت دسته جمعی (Collective Security)" گام بر می‌دارد و در آینده‌ای نه چندان دور همگام با تحکیم روابط تل‌آویو با ناتو، عضویت رسمی اسرائیل در این سازمان نظامی دور از انتظار نخواهد بود.

( ادامه دارد )

اسرائیل در ناتو باعث کشانده شدن کشورهای عربی به اردوی بلوک شرق گردد - از طرح آن، دست کم به صورت آشکار- خودداری می‌نمود. اما پس از جنگ سرد و در چارچوب طرح "گفت‌وگوی مدیران‌های" اسرائیل به یک هم‌پیمان راهبردی برای ناتو در منطقه حساس خاورمیانه تبدیل گردید. سیر تحولات این گونه نشان می‌دهد که این روابط به مرور زمان از عمق و وسعت بیشتری برخوردار می‌گردد. به صورت فشرده مهمترین تحولات

صورت گرفته در روابط راهبردی تل‌آویو-ناتو در چند سال اخیر را می‌توان این گونه برشمرد: امضای موافقت‌نامه امنیتی با ناتو در سال ۲۰۰۱ به عنوان نخستین دولت عضو برنامه گفت‌وگوی مدیران‌های، رزمایش مشترک ناتو و اسرائیل در ماه مارس ۲۰۰۵ در آب‌های فلسطین اشغالی، عضویت اسرائیل در مجمع پارلمانی ناتو در ماه می ۲۰۰۵، شرکت تل‌آویو در تمرین نظامی ناتو در دریای مدیترانه و اوکراین در سال ۲۰۰۵ و نهایتاً مشارکت اسرائیل در رزمایش موسوم به "همکاری ماکو-۲۰۰۵" در دریای سیاه. مجموعه تحولات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی

شرکت خدمات مسافرتی  
**اطلس** (عضو یاتا)  
نظاره ثبت: ۷۵۴۰ تاریخ تاسیس: ۱۳۳۹/۷/۲۶  
پیش از چهار دهه سابقه خدمت  
IATA  
حاصل از سرمایه‌گذاران ممتاز (تحت نظارت) حمایت از شهید شایسته  
پلاک: ۴۱، صندوق پستی: ۱۹۹۹ - ۱۲۱۵۵  
تلفن: ۰۲۲۲۲۱۳۶ - ۰۲۲۲۷۰۶۹ - ۰۲۲۲۷۰۶۲  
فکس: ۰۲۲۲۷۰۶۴